

## ده و روستا نشینی در دنیا

ده نشینی در دنیا امری کهنه است . می توان گفت که ده از روزی پدیدار شد که گروه های کوچ نشین انسانی که پیش از آن به شکار و احیاناً دام پروری اشتغال داشتند به کشاورزی آگاهی یافتند و بدین منظور موقتاً یا دائماً از خانه به دوشی دست کشیدند و بر قطعه زمینی سکونت و قرار حاصل کردند. ده را کهنترین جامعه پای برجای انسانی شمرده اند . قبائل شکارچی غالباً پایبکام ثابتی نداشتند و گزیرا زبیه شکار در حرکت هستند . اکثر اقوامی نیز که با پرورش حیوانات اهلی امرار معاش می کنند ناچار به سیروسفر می پردازند و اگر یکسره در کار انتقال از محلی به محل دیگر نباشند اقلای قسمتی از سال را صرف رفت و آمد میان چراگاه ها می کنند حتی مردمان ابتدائی چون قبیله های مرکز استرالیا که انسان عسرحجر را به یاد می آورند و رزق خود را از گردآوری ریشه ها و سبزه ها و میوه ها و کرم های درخت و زمین می جویند در نقطه های دیر نمی مانند از آن جا که منابع ارتزاق به زودی پایان می گیرد و زندگی دشوار می شود. پس ده نشینی را به درستی معلول و نتیجه کشاورزی می توان خواند اما بر این حکم استثنائاتی وارد است چنانکه پارهای از اقوام بساط زندگی کمابیش ثابتی بر کنار آب های بهامی انباشته گسترده اند و استقرارشان بر زمین به علت این شیوه خاص معیشت است . اقوام دیگری نیز هستند که در گاهی در سرزمینی که شکار فراوان دارد پایداری می نمایند و فقط هنگامی که طعمه کمیاب شود و خصوصاً آبها خشکی گیرد بجای دیگر مهاجرت می کنند . ده نیز همیشه جاودان نیست و هر چند کشت و زرع در آن صورت گیرد ممکن است زود به زود مقرر تازه ای پیدا کند . جامعه شناس روستائی ساندرسن<sup>۱</sup> راست می گوید که از جهت ثبات یا تحرك ، سه نوع جامعه دهقانی سراغ می توان گرفت : ده ها و دهکده های ناپایدار که گرچه در آن مختصر کشاورزی می شود اما ساکنان یا سفر آن ها زود به زود تغییر مکان می دهند و رحل اقامت در جای دیگر می افکنند . این گونه ده های سیال را در ناحیه آمازون و نزد بومیان مالایا می توان یافت . نوع دیگر ، ده های نیمه پایدار است چنانکه سابقاً نزد سرخ پوستان امریکا دیده می شد و امروزه نمونه های آن در جنوب شرقی آسیا و ملاتزی و قسمت هائی از آفریقا مکرراً به چشم می خورد . در این دهات مردم فقط چند سالی که باروری زمین دوام دارد باقی می مانند و همین که مایه های کشت زائل شد رویه راه می آورند و زمینی بکر که منبع فیض تازه شود جستجو می کنند . اما دهی که قرارگاه حقیقی جامعه روستائی است ، ده پایدار است که امروزه در اکثر نقاط آسیا و اروپا و در قاره های



دیگر نیز به کثرت مشاهده می‌شود و در تاریخ سابقه طولانی دارد و حتی در عصر «سنگ سیلی» یا سه هزار سال پیش از میلاد مسیح نیز وجود داشته و نشانه‌های آن در دل خاک‌ها بازمانده است.

با استقرار جماعتی از مردم بر زمین به دنبال ظهور و رواج کشاورزی، ترکیب‌های اجتماعی و روابط افراد و نوع فرهنگ جامعه تغییر می‌یابد: پذیرفتن آن زمان یگانه علقه‌ای که اعضای قبیله و گروه سیاری را بهم می‌پیوست قرابت حقیقی یا مجازی بود. ده‌نشینی رابطه مکانی را به میان آورد و به تدریج بر خویشاوندی غلبه داد. پیش‌تر، زندگی خانوادگی بر مادر و نسب رحمی متکی بود و چون بر اثر آئین توتمی، قاعده ازدواج با برون‌گروه حکومت می‌کرد، زن از خارج گروه خود شوهر می‌پذیرفت، اما خود میان قوم و قبیله خویش می‌ماند و به‌خانه و خاندان همسر نمی‌پیوست و گاه گاهی شوهر را بار می‌داد و بالجمله نظام مادر سری یا مادر سالاری تحقق داشت. اما ده‌نشینی این ساختمان خانوادگی را دگرگون کرد و اندک‌اندک به مردان تفوق داد و قرار سکونت زن در خانه شوی و خانواده او و قاعده نسب صلبی را جایگزین مادر مکانی و مادر تباری کرد. داستان این تغییرات دلکش اما پرتفصیل است و در این جا جز به اشارتی از آن یاد نمی‌توان آورد.

از آن چه گفتیم نباید استنباط شود که ده‌نشینی اهمیت علائق خانوادگی و خویشی را یکسره از میان برد، هنوز هم روابط خویشاوندی نزدیک با دور مبنای بسیاری از اجتماعات دهقانی است اما شبهه نیست که ارتباط مکانی به تدریج تقدم و اولویت حاصل کرده و نظام زندگی اجتماعی سرانجام بر پایه ارضی بنا شده است. مثال آن را در افریقای سیاه می‌توان جست که تا چندی پیش رابطه قرابت و بستگی خانوادگی در آن بیش از تعلقات مکانی در تنظیم حیات اجتماعی سهمیم بوده است، و امروزه وضع کم‌کم به منوال دیگر می‌شود.

گرچه در بادی نظر، تعریف ده و جامعه روستائی آسان می‌نماید اما حقیقت جز این است و تنوع دهات در دنیای امروزی و تحول آنها در طی تاریخ، تعمیم رادشوار می‌کند. بر سبیل مقدمه شاید بتوان تعریفی را که از گفته‌های پیشین برمی‌آید به کار برد و گفت: ده آن واحد ارضی است که جامعه کوچکی روستائی را در خود جا داده و اکثر افرادش را برای امرار معاش به استفاده و بهره‌گیری از زمین به صورت کشاورزی واداشته و اقتصادی کمابیش سر بسته و به خود متکی به وجود آورده است. اما این تعریف از جهات عدیده عمومیت ندارد و باید اصلاح و تهذیب شود: اولاً جامعه‌هائی روستائی هست که چند هزار جمعیت را در یک ده گردهم آورده است. (مثلاً در ممالک سیسیل - بلغارستان - مجارستان) و حتی در دلتای نیل که ده‌ها دهات ده هزار سکنه‌ای برخوردار می‌شود. این ده‌ها باز از نظر سیمای آبادی و شیوه زندگی مردم از شهرها متمایز است. ثانیاً پیشرفت اقتصاد صنعتی و ورود ماشین در کشاورزی سبب شده است



که در پاره‌ای از ممالک ده‌هائی به‌ظهور پیوندد که جمعیت فمال ساکن آن به‌مشاغلی غیر زراعت می‌پردازد مانند ده‌هائی که مرکز خدمات اداری، اقتصادی یا اجتماعی برای مزارع اطراف خود است، یا کارگرانی را که روزها در این مزارع برای راندگی تراکتور یا وظائف مشابهی به‌مزدوری می‌روند شبهنسکام در خود مأوی می‌دهند. هم‌چنین است حال ده‌هائی که ارزش معدنی یا صنعتی دارد و از آن گونه هزارها در ممالک باختری به‌نظر می‌رسد. ده‌ها یا دهکده‌هائی را که به‌لحاظ موقع طبیعی محل جلب سیاحان یا ورزش دوستان است و از برکت همین امر آباد شده باید در همین شمار آورد؛ و نیز بر آن چه گفتیم دهائی را که از برکت جنگلبانی یا ماهیگیری و مانند آن حیات و رونق یافته و بستگی با کشاورزی به‌معنی اخص ندارد اضافه باید کرد. ثالثاً در کمتر کشوری اقتصاد روستائی سرپسته مانده است و همه نیازهای جمعیت دهقان درون ده برآورده می‌شود. اقتصاد مبتنی بر تجارت و پول و سود جوئی همه جا به‌دهات راه یافته و ترکیب اقتصادی قدیم را آشفته کرده است. دهقانان خصوصاً در ممالکی که از رفاه مادی بهره دارد قسمت عمده محصولات خود را به بازار می‌فرستند و برای رفع اکثر احتیاجات خود به‌خارج ده روی می‌آورند یا کالاهای خارج را درون ده خریداری می‌کنند.

از دیرباز جامعه شناسان در تفکیک ده از شهر صفاتی را ذکر کرده‌اند که از جمله آن‌ها آمار نفوس است. احصائیه آمریکا نقاطی را که کمتر از ۲۵۰ سکنه دارد ده می‌نامد و بعضی از جامعه شناسان روستائی حداقل جمعیت ده را ۲۵۰ نفر شمرده‌اند و کمتر از آن را دهکده یا مزرعه می‌خوانند. اما این حد نصاب بسته به انبوهی جمعیت هر کشوری است و همه جایکسان نیست، ولی قدر مسلم این است که غالباً ابعاد اجتماع در ده کوچکتر و تراکم خلق کمتر از شهر است و خود این دو تفاوت، به‌اختلافهای دیگری منتج می‌شود، چنانکه شبکه ارتباطات در شهر وسعت دارد اما عمق و صمیمیت روابط در ده بیشتر است. برخورد انسان در شهر خصوصاً با محیط انسانی است و در ده نزدیکی با محیط طبیعی زیادتر است.

جامعه شناسانی که به شهرهای کم جمعیت و دهات پر نفوس برخورد کرده‌اند ملاک آماری را برای تمیز این دو از هم کافی نمی‌انگارند و ملاک‌های دیگری پیشنهاد می‌کنند از آن جمله است مقیاس تقسیمات اداری مملکتی، یا ظواهر شهر و ده (وجود ابنیه تاریخی و یاد کارهای کهن و ساختمان‌های مرتفع و مجلل و خیابان‌های آراسته در شهر در مقابل سادگی و حقارت چهره زندگی روستائی) اما این دو مقیاس هم درخور نکته‌گیری است، زیرا بسط تمدن شهری در دهات ممالک مترقی این گونه شکاف‌ها را کمابیش پر کرده و ده را از نظر تشکیلات و سیما و نما بسیار شبیه شهرها نموده است.

صفت متمیزه روشنتر و عامتر اختلاف کار و معیشت و خلاصه نحوه اقتصاد شهر و ده است. مشغله اصلی و عمده مردم را در اکثر دهات کشاورزی یا مشاغل مربوط به آن (جنگلبانی ماهیگیری - دامپروری) تشکیل می‌دهد. این ملاک هم با همه رجحانی که نسبت به معیارهای سابق دارد خالی از خلل نیست و ناچار باید گذشته از طرز معیشت، ساختمان



های اجتماعی غیر اقتصادی و نحوه زندگی و روحیه و فرهنگ مردم را نیز که در تمیزده از شهر مقامی دارد به میان نهاد<sup>۱</sup>.

به اعتقاد ما يك ملاك تنها برای تعریف ده کافی نیست و ده مجموعه‌ای است از يك عده نظامات و ترکیب‌ها که ساختمان اقتصادی در زمره آن‌هاست. شایسته است که ده را در هر مملکتی از جهات ذیل توصیف کنیم تا مفهوم آن به دقت معلوم گردد:

اول از لحاظ خصوصیات محیط طبیعی و هیأت باشکل و سیمای ده.

دوم از لحاظ ترکیب‌های جمعیتی.

سوم از لحاظ ترکیب‌های اقتصادی.

چهارم از لحاظ تشکیلات اداری و ترتیبات حقوقی.

پنجم از لحاظ ساختمان‌های اجتماعی.

ششم از لحاظ صور و قوالب روانی و فرهنگی.

ملاك ارزنده به نظر ما آنست که همه این جهات را بهم می‌آمیزد و در شناخت ده به کار می‌برد. صحت این دعوی با تعریفی که از ده ایرانی خواهیم داد به دست خواهد آمد.



از لحاظ شکل سکونت، جمعیت روستاها را می‌توان به دو صورت متفرق و متمرکز طبقه بندی کرد. خانه‌های ده ممکن است در میان مزارع پراکنده باشد یا به عکس به شکل دایره‌ای یا خطی یا به شکل دیگری گردد هم انبوه شده باشد. عوامل مختلفی در این پراکندگی یا تمرکز مؤثر است و از آن جمله طرز آبیاری، نوع مقتضیات مختلف محیط طبیعی، کشت، ساختمان اجتماعی، سازمان اقتصاد و خصوصاً طرز مالکیت و حتی پاره‌ای مؤثرات روحی و معنوی یاد باید کرده شود در نقاطی که کشاورزی به صورت قدیم است و با از نهر و شبکه کامل آبیاری استفاده می‌شود و هم چنین خرده مالکان اکثریت دارند تمایلی به پراکندگی مساکن روستائی در میان مزارع محسوس است به عکس در جاهائی که آب کمیاب است یا بزرگ مالکی و نظام «اربابی» وجود دارد یا خانواده بزرگ پدر سالاری حاکم است تمایلی به تراکم دیده می‌شود. تا ایمنی هم سبب مهم تجمع است و دهات قلعه مانند از همین جهت پیداشده است. قبائل سرخ پوست هویی Hopi از بیم تعرض دشمنان کوچ نشین، بالای تپه‌ها اجتماع می‌گفتند و بطور متمرکز سکونت می‌گزینند، اما مزارع ذرت ایشان در جلگه دور دست واقع است و هر روز مردان برای کشت و زرع و زنان برای جستجوی آب ناگزیرند مسافتی دراز بپیمایند. در سرزمین‌های خشک که خلق با حفر قنات یا چاه یا کشف چشمه آب محیط را برای رشد زندگی مساعد می‌کنند، غالباً تمرکز سکونت گاه‌ها بر گرد مظهر قنات یا دور حلقه چاه و چشمه حاصل می‌شود و در مرکز منطقه کشت واقع می‌گردد و به دور آن نخست باغ‌ها و زمین‌های مزروع

۱- برای تفصیل رجوع شود به مقاله «مقدمه بر جامعه شناسی شهری ایران» از نویسندگان این سطور- دوره دهم مجله سخن خصوصاً صفحات ۸۶۳ به بعد.



و پس از آن مراتع و آخر جنگل‌ها و اراضی لم‌بزرع گسترده می‌شود. گذشته از این‌ها مذهب و عوامل معنوی دیگر هم ممکن است جمعیتی بهم فشرده را در يك آبادی به‌دور محل مقدسی فراهم آورد.

دهانی که شکل سکونت در آن متمرکز است خود ممکن است به‌چندین صورت دیده شود: ده‌های «کشیده» و «کوچه وار»، یعنی آن‌ها که به شکل خطی مستقیم است. اینگونه ده‌ها معمولاً در عمق دره و کنار رودخانه‌ای واقع است یا در کنار جاده ارتباطی قرار دارند. از قرن‌ها پیش فرانسویان به این شیوه ده‌سازی خو گرفته و آن را به ممالک دیگر چون کانادا و آمریکا نقل کرده‌اند. نقشه ده خطی به این طرز است که در برابر خانه‌ها که کوئی از بی هم صف بسته، مزارع روستائیان کشیده شده است. دهقانان در عین آنکه بایکدی بگرمجاورت و ارتباط نزدیک دارند با کشتزار خود هم بی فاصله مربوط هستند و بدین وجه ده خطی مزایای سکونت گاه‌های پراکنده و متمرکز را در خود جمع دارد. صورت دیگر، توده نامنظمی از خانه‌ها در کنار هم افتاده است و ممکن است حدود آن را خطوط منظمی مشخص کند. ژرمن‌های قدیم به این نحوه ده‌سازی عادت داشتند، به عکس اسلاوها نقشه منظم را می‌پسندیدند و دهات به شکل خط یا دایره احداث می‌کردند. مرمون‌ها (mormons) در آمریکا به تقلید نقشه شهر مقدس سیون، ده‌هایی ساخته‌اند که عبارت باشد از قطعه‌ای زمین مستطیل یا مربع که مانند صفحه شطرنج به قطعات منظمی تقسیم شده است. قوم «شیلوک» مقیم نیل علیا دهانی می‌ساخته که خانه‌های مسکونی در آن حلقه‌ای به‌دور میدان رقص و معبد و اصطبل‌ها تشکیل می‌داده‌اند.

دهات دایره شکل در آفریقا زیاد دیده می‌شود و گاه صورت خورشیدی با اشعه‌آن را جلوه می‌دهد و کوئی انعکاسی است از آئین کهن مهرپرستی که بی‌شبهه از ایران به این قاره راه یافته است. آخره از ده ستاره شکل باید یاد کرد که در مقطع راه‌ها پیدا می‌شود یا بر اثر توسعه ده کوچی شکل یا توده مانند به وجه شاخه‌واری نموداری گردد.<sup>۱</sup>

می‌توان گفت که بر روی هم شکل پراکنده سکونت نشانه پیشرفت است مثلاً در آمریکا بیش از همه جا این نوع سکونت روستائی ملاحظه می‌شود، توسعه و اهمیت یافتن خرده مالکی و پهناوری زمین‌هایی که با ماشین کشت می‌شود و رشد حس شخصیت و فردیت مساعد این زندگی پراکنده است. در هلند زمین‌هایی را که از دریا باز گرفته و قابل کشت کرده‌اند به صورت قطعه‌های منظم و وسیعی در آورده‌اند و میان دهقانان تقسیم کرده‌اند. خانه‌های این ده‌ها از هم دور و در میان با کنار مزارع پراکنده است.

در ممالک دیگر، میل جدا زیستن گاهی عکس العملی در مقابل نظام قدیم

مالکیت اربابی و نشانهٔ رهائی است. اما این حکم را تعمیم نباید داد چنانکه در «کلموز» های شوروی سکونت به صورت متمرکز دیده می شود و علت این است که نحوهٔ جدید بهره برداری مستلزم تأسیساتی چون شرکت های تعاونی - برق - تعمیرگاه ماشین های کشاورزی و مانند آن است که پراکنده کردن آنها مایهٔ گرانسی و دشواری کار می شود. به این ترتیب ملاحظه می کنیم که از سیمای ده بسیاری از خصوصیات درونی آنرا می توان خواند اما در این باره تأمل باید کرد و در تفسیر شباهت هائی که در شکل سکونت میان دو جامعه به چشم می رسد احتیاط شرط است.

«اتمام»

جمشید بهنام - شاپور راسخ

## ترانه های مازندرانی

دور دور مجمه گنی بیوفایی نزدیک مجمه گنی بیحیایی  
شومه در در سر گنی کدایی چه جوری ها مجم مره نجایی  
چون دور دور می روم می کوئی بیوفائی

چون نزدیک می شوم می کوئی بی حیائی  
چون از دری به در دیگر روم کوئی گداهستی  
چگونه رفقا کنم تا مرا بخواهی

کل من، کل ریحون، کجه شونی طرف سبزه میدون کجه شونی

همه رجان کمه تره جان شیرین کامزد تا مسلمون کجه شونی

ای کل من، ای کل ریحان، کجا می روی  
از جانب سبزه میدان کجا می روی  
همه را جان می خوانم و ترا جان شیرین

ای کافر و تا مسلمان کجا می روی

گرد آورنده طلعت بصری